

نقش ارزشیابی توصیفی بر عملکرد تحصیلی و اعتماد به نفس دانش آموزان ابتدایی

سیده کبری تقوی سنکدهی*^۱، سیده لیلا تقوی سنکدهی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

چکیده

مقدمه و هدف: ارزشیابی تحصیلی نقشی محوری در فرایند یاددهی-یادگیری دارد. در نظام‌های سنتی، تمرکز بر آزمون و نمره دهی موجب استرس و رقابت ناسالم شده است. به همین جهت در آموزش ابتدایی ایران از رویکرد ارزشیابی کیفی-توصیفی استفاده شده که بر ارائه بازخورد سازنده تأکید دارد. هدف از انجام این تحقیق، بررسی تأثیر ارزشیابی توصیفی بر عملکرد تحصیلی و اعتماد به نفس دانش آموزان ابتدایی از منظر پژوهشی می باشد.

روش‌شناسی پژوهش: این پژوهش از نوع مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیلی و توصیفی بود و با توجه به رویکرد کیفی، یافته‌های پژوهش‌ها تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌های این تحقیق نشان می دهد که اجرای ارزشیابی توصیفی با ارتقای یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان همراه است. همچنین این روش در افزایش انگیزه درونی و مشارکت فعال دانش آموزان مؤثر است. به علاوه، دانش آموزانی که بازخوردهای توصیفی دریافت میکنند اضطراب کمتری تجربه و اعتماد به نفس بالاتری کسب میکنند. پژوهش‌ها نشان میدهد بازخورد سازنده باعث تقویت احساس ارزشمندی و توانایی در دانش آموز میشود و به تدریج اعتماد به نفس تحصیلی و اجتماعی او را بالا میبرد. همچنین بهبود تعامل معلم و دانش آموز، یادگیری مفهومی، مهارت خودارزیابی و تفکر انتقادی از دیگر پیامدهای مثبت ارزشیابی توصیفی گزارش شده است.

نتیجه گیری: یافته‌ها حاکی از آن است که ارزشیابی توصیفی به عنوان روش جایگزین و انسان‌گرایانه، فضای آموزشی را از جو رقابتی به سوی همکاری و خودسنجی سوق میدهد و میتواند به بهبود عملکرد تحصیلی و اعتماد به نفس کودکان ابتدایی کمک کند. با این حال، اجرای موفق آن نیازمند آموزش معلمان در فن بازخورددهی و فراهم سازی امکانات لازم است. در نتیجه، پیشنهاد میشود نظام آموزشی با اولویت بخشی به توانمندسازی معلمان و ارتقای زیرساخت‌ها، ارزشیابی توصیفی را به طور گسترده تری در مدارس ابتدایی به کار گیرد.

کلید واژه‌ها: ارزشیابی توصیفی، عملکرد تحصیلی، اعتماد به نفس، دانش آموزان ابتدایی.

^۱* کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، آموزگار ابتدایی شهرستان نوشهر و کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد محمودآباد kobra.taghavi1996@gmail.com

^۲ کارشناسی آموزش ریاضی دانشگاه فرهنگیان، آموزگار ابتدایی شهرستان نور و کارشناسی ارشد ریاضی محض دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل

مقدمه

در سال‌های اخیر یکی از مهمترین دغدغه‌های نظام‌های آموزشی، فراهم آوردن محیطی حمایتی برای رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان بوده است. ارزشیابی‌های سنتی که عمدتاً بر پایه آزمون‌های کتبی و عدد نمره شکل می‌گرفتند، نه تنها قادر به انعکاس کامل توانایی‌های دانش‌آموزان نبودند، بلکه در بسیاری از موارد باعث ایجاد فشار روانی، اضطراب امتحان و کاهش انگیزه در آنان می‌شدند (بلک و ویلیام، ۱۹۹۸). این فشار روانی به ویژه در دوره ابتدایی که پایه‌گذار شخصیت و نگرش تحصیلی دانش‌آموزان است، میتواند آثار ماندگاری بر اعتماد به نفس و نگرش آنان به یادگیری بر جای گذارد. به همین دلیل، در دو دهه اخیر بسیاری از کشورها از جمله ایران به سوی جایگزینی ارزشیابی‌های توصیفی و کیفی حرکت کرده‌اند (کریمی ملک آبادی، ۱۴۰۲). ارزشیابی به عنوان یکی از ارکان بنیادین نظام‌های آموزشی، نقش دوگانه‌ای دارد: هم به عنوان ابزار سنجش نتایج یادگیری و هم به عنوان مکانیزمی برای هدایت فرایند یاددهی-یادگیری است. در ادبیات معاصر، مرزبندی میان ارزشیابی جمع‌بندی و ارزشیابی تکوینی-توصیفی مورد تأکید قرار گرفته است؛ به ویژه آنکه ارزشیابی تکوینی به عنوان ابزاری برای ارائه بازخورد سازنده و اصلاح فرایند یادگیری در خلال آموزش تلقی میشود و نه صرفاً تعیین نمره‌ی نهایی. در تعریف نظری، ارزشیابی توصیفی مجموعه‌ای از روش‌ها و رویه‌ها است که هدف اصلی‌شان فراهم کردن بازخورد «قابل اجرا» و «هدفمند» به یادگیرنده برای تصحیح و هدایت یادگیری است؛ این رویه‌ها ممکن است شامل بازخورد شفاهی و کتبی، خودارزیابی، ارزیابی هم‌سالان، استفاده از جملات توصیفی و اندازه‌گیری پیشرفت در بازه‌های کوتاه مدت باشد. (شوان و همکاران، ۲۰۲۲). دگرگونی‌های اخیر در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و فراخوان‌های بین‌المللی برای «ارزشیابی برای یادگیری» باعث شده است توجه ویژه‌ای به شیوه‌های جایگزین نمره محور معطوف گردد؛ زیرا شواهد نظری و تجربی نشان میدهد که نوع ارزشیابی میتواند جهت‌گیری انگیزشی، کیفیت تعامل معلم-دانش‌آموز و نهایتاً نتایج آکادمیک را دگرگون کند. در مطالعات اخیر نیز بر اهمیت کیفیت بازخورد (نه صرفاً کمیت آن) تأکید شده است؛ بازخوردی که مشخص، به موقع و بر گام بعدی یادگیری تمرکز دارد، بیشترین توان تقویتی را برای تغییر رفتار یادگیری دارد و میتواند مسیر یادگیری دانش‌آموز را قابل لمس اصلاح نماید (سورتول و همکاران، ۲۰۲۴).

عملکرد تحصیلی در ادبیات آموزشی به طور کلی به نتایج قابل سنجش یادگیری دانش‌آموزان اطلاق میشود؛ این نتایج میتواند شامل نمرات کلاسی، معدل ترم یا سال، نمرات آزمون‌های استاندارد، نتایج آزمون

¹ Black & William

² Xuan et al

³ Sortwell et al

های معیارمحور، و سنجه‌های عملکردی باشد. در برخی متون، عملکرد تحصیلی همچنین شاخصی از وضعیت آموزشی سیستم محسوب شده و با معیارهای بلندمدت تری مانند پیشرفت تحصیلی در طول سال‌ها یا خروجی‌های تحصیلی تلفیق می‌گردد (دورتاگورا و همکاران،^۱ ۲۰۱۹).

از منظر روانشناسی تربیتی، اعتماد به نفس یکی از عوامل کلیدی موفقیت تحصیلی محسوب می‌شود. دانش‌آموزانی که به توانایی‌های خود باور دارند، در مواجهه با چالش‌های یادگیری انعطاف پذیرتر بوده و انگیزه بیشتری برای ادامه تلاش نشان می‌دهند. در مقابل، ضعف اعتماد به نفس منجر به اضطراب، اجتناب از فعالیت‌های چالش برانگیز و نهایتاً افت عملکرد تحصیلی می‌شود (بندورا،^۲ ۱۹۹۷).

چند چارچوب نظری به این پیوند معنا می‌بخشند؛ نظریه‌ی «خودتنظیمی یادگیرنده»،^۳ نظریه‌ی «خودکارآمدی»^۴ و دیدگاه‌های مربوط به نقش بازخورد در یادگیری. از منظر خودتنظیمی، بازخورد دقیق و گام به گام، امکان تنظیم اهداف و استراتژی‌های یادگیری را فراهم می‌آورد و بدین ترتیب عملکرد تحصیلی را ارتقا می‌دهد. از منظر خودکارآمدی، تجربیات کوچک موفقیت که از طریق بازخورد تکوینی فراهم می‌شود، باورهای توانمندی دانش‌آموز را تقویت می‌کند و انگیزش و تلاش را افزایش می‌دهد (وو و یو،^۵ ۲۰۲۵). بنابراین، هر رویکرد آموزشی که بتواند اعتماد به نفس را در کودکان تقویت کند، ارزشمند و قابل توجه خواهد بود. ارزشیابی توصیفی یکی از همین رویکردهاست که با حذف رقابت ناسالم و تأکید بر پیشرفت فردی، فرصت تجربه موفقیت‌های کوچک و تدریجی را برای همه دانش‌آموزان فراهم می‌سازد. مرور نظام‌مند پژوهش‌های بین‌المللی توسط ویلیام (۲۰۱۱) نشان داد که ارزشیابی توصیفی با فراهم آوردن بازخوردهای هدفمند، احساس توانایی و کارآمدی را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند و این امر به طور غیرمستقیم عملکرد تحصیلی آنان را ارتقا می‌دهد.

دوره ابتدایی به دلیل ماهیت رشد شناختی و عاطفی ویژه‌اش از اهمیت بالایی برخوردار است. در این دوره پایه‌های مهارت‌های خواندن، نوشتن، محاسبه و عادت‌های مطالعه شکل می‌گیرد؛ از این رو، مداخلات ارزیابی‌ای که فرایند یادگیری را تقویت کنند، پتانسیل تغییر مسیر بلندمدت موفقیت تحصیلی را دارند. از منظر روانشناختی نیز، تقویت احساس شایستگی و اعتماد به نفس در سال‌های اولیه می‌تواند الگوهای رفتاری و انگیزشی طولانی‌مدتی را ایجاد کند که در مقاطع بعدی اثربخشی بیشتری نشان می‌دهد (شوان و همکاران،^۶ ۲۰۲۲). در ایران نیز طی سال‌های اخیر حرکت به سوی استفاده از رویکردهای کیفی-توصیفی در دوره ابتدایی مشاهده شده است؛ اسناد و مقالات مروری نشان می‌دهند که طرح‌های آزمایشی و برنامه‌های توانمندسازی

¹ Dorta-Guerra et al

² Bandura

³ Learner self-regulation

⁴ Self-efficacy

⁵ Wu & Yu

⁶ Wiliam

⁷ Xuan et al

معلمان برای اجرای ارزشیابی کیفی-توصیفی در برخی مناطق اجرا شده و گزارش‌هایی از مزایا و موانع تجربه شده منتشر شده است. با این حال، گزارش‌ها و مطالعات میدانی موانعی مانند کمبود آموزش معلمان، بار کاری اضافی، کلاس‌های پرجمعیت و نبود ابزارهای مناسب ثبت و گزارش را به عنوان چالش‌های جدی برشمرده‌اند که می‌تواند مانع تحقق کامل اهداف این طرح گردد (صدر و بابایی، ۱۴۰۲).

با توجه به این شواهد، می‌توان گفت که نقش ارزشیابی توصیفی دو جنبه اساسی دارد: نخست بهبود عملکرد تحصیلی از طریق هدایت یادگیری و دوم تقویت اعتماد به نفس از طریق فراهم آوردن تجربه‌های موفقیت‌آمیز و بازخوردهای حمایتی. این دو جنبه نه تنها مکمل یکدیگر هستند، بلکه در یک چرخه مثبت، یکدیگر را تقویت می‌کنند. یعنی دانش‌آموزانی که بازخورد توصیفی دریافت می‌کنند، با اعتماد به نفس بیشتری در فعالیت‌های یادگیری شرکت می‌کنند و همین مشارکت فعال‌تر، به پیشرفت تحصیلی آنان منجر می‌شود (کریمی ملک آبادی، ۱۴۰۲). بازخوردهای توصیفی معلمان دقیقاً با همین هدف طراحی می‌شوند: یعنی دانش‌آموز را به جای تمرکز بر نتیجه نهایی، به فرآیند یادگیری علاقه‌مند کنند. زمانی که دانش‌آموز درک می‌کند تلاش او، حتی اگر به نمره کامل منجر نشود، ارزشمند است، انگیزش درونی او برای یادگیری تقویت می‌شود. این انگیزش درونی به نوبه خود موجب پایداری یادگیری و افزایش اعتماد به نفس می‌گردد (کلارک، ۲۰۱۵).

در نهایت، باید تأکید کرد که اعتماد به نفس و عملکرد تحصیلی نه دو مقوله جداگانه، بلکه دو وجه از یک فرآیند هستند. تقویت اعتماد به نفس از طریق ارزشیابی توصیفی، دانش‌آموزان را به مشارکت فعال‌تر در یادگیری سوق می‌دهد و همین مشارکت باعث ارتقای عملکرد تحصیلی می‌شود. به بیان دیگر، رابطه‌های دوسویه میان این دو وجود دارد که می‌تواند در طول سال‌های ابتدایی تحصیل، سرنوشت تحصیلی و حتی شخصیتی دانش‌آموزان را رقم بزند (ونتزل و بروفی، ۲۰۱۴).

این مقاله سعی دارد به طور کلی به این سوال پاسخ دهد که ارزشیابی توصیفی چگونه و تا چه اندازه می‌تواند بر عملکرد تحصیلی و اعتماد به نفس دانش‌آموزان ابتدایی اثرگذار باشد؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع مروری تحلیلی است که با هدف جمع‌آوری و تحلیل نظام‌مند مطالعات مرتبط با نقش ارزشیابی توصیفی در عملکرد تحصیلی و اعتماد به نفس دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. در این نوع مطالعه، پژوهش‌های پیشین به صورت مستقل و هدفمند بررسی می‌شوند تا الگوها، روابط و دستاوردهای آنها استخراج گردیده و نتیجه‌گیری‌های کلی ارائه شود. همانطور که کرونین و همکاران (۲۰۰۸) بیان کرده‌اند، یک مرور ادبیات خوب باید دارای یک استراتژی واضح جستجو و گزینش باشد.

¹ Clarke

² Wentzel & Brophy

³ Cronin et al

یافته‌ها

تأثیر ارزشیابی توصیفی بر عملکرد تحصیلی

پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که ارزشیابی توصیفی تأثیر مثبت و غالباً معناداری بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد. به عنوان نمونه، فراتحلیلی بر ۴۸ مطالعه در مقاطع ابتدایی تا دبیرستان صورت گرفته است که نشان می‌دهد که ارزشیابی توصیفی هرچند به طور میانگین بر مهارت خواندن اثر مثبت دارد؛ اما اگر به شکل منظم، با بازخورد فوری و در فضای مشارکتی اجرا شود، می‌تواند به طور قابل توجهی عملکرد خواندن دانش‌آموزان ابتدایی را بهبود بخشد (شوان و همکاران، ۲۰۲۲). در ریاضی، شواهد نسبتاً قوی است که بازخورد توصیفی همراه با تمرین‌های حل مسئله و بازاندیشی موجب بهبود فهم مفهومی می‌شود؛ با این حال، موفقیت در ریاضی بیشتر نیازمند طراحی دقیق اجرای بازخورد است. ارزشیابی توصیفی که شامل خودارزیابی، هدف‌گذاری و بازنگری کار می‌شود، خودتنظیمی دانش‌آموزان را بالا برده و به یادگیری پایدارتر می‌انجامد (میوسن بیکمن، ۲۰۱۶). در مطالعات تجربی، دانش‌آموزانی که با روش‌های ارزشیابی توصیفی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، پیشرفت تحصیلی بالاتری نسبت به گروه‌های شاهد کسب کرده‌اند (میلر و لاون، ۲۰۰۷). این یافته با نتایج پژوهش تجربی دیگری در چین همخوانی دارد که نشان داد پیاده‌سازی ارزشیابی توصیفی به طور معناداری با بهبود نمرات دروس دانش‌آموزان ارتباط دارد. علاوه بر این، نقش حمایت عاطفی معلمان به عنوان عاملی میانجی در تقویت این تأثیر مطرح شده است؛ به طوری که ارتباط معناداری میان ارزشیابی توصیفی، حمایت عاطفی معلم و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان یافت شده است. به عبارت دیگر، ارائه بازخورد مداوم و سازنده (ویژگی اصلی ارزشیابی توصیفی) در فضایی حمایت‌گرا نه توسط معلمان، انگیزه و توجه دانش‌آموزان را ارتقا داده و به بهبود یادگیری آنان کمک می‌کند (وو و یو، ۲۰۲۵). با این حال، همه نتایج یکسان نیست. برخی پژوهش‌ها اثر معناداری برای ارزشیابی توصیفی گزارش نکرده‌اند. برای مثال، مطالعه‌ای نشان داده است استفاده از ارزشیابی توصیفی بر انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر معنی‌دار نداشته است (یین و همکاران، ۲۰۰۸). این موارد غیرقطعی را می‌توان ناشی از تفاوت‌های اجرایی یا شرایط کلاس دانست؛ مثلاً برخی مطالعات به اهمیت کیفیت بازخورد، زمان بندی مناسب و آموزش معلمان اشاره کرده‌اند که در صورت عدم توجه به آنها، اثرگذاری ارزشیابی توصیفی کاهش می‌یابد. به طور کلی، بیشتر تحقیقات بر ارزش

¹ Xuan et al

² Meusen-Beekman

³ Miller & Lavin

⁴ Wu & Yu

⁵ Yin et al

مثبت ارزشیابی توصیفی تأکید دارند، اما تأکید میشود که نحوه اجرا و پشتیبانی‌های لازم (مانند مهارت معلمان در ارائه بازخورد) در تحقق نتایج تأثیرگذار است.

در مطالعات انجام شده در ایران نیز دیدگاه مشابهی مشاهده میشود؛ برای نمونه، پژوهشی کیفی در شهرستان فردوس نشان داد که بسیاری از معلمان به دشواری‌های اجرایی اجرای ارزشیابی توصیفی (مانند حجم بالای دانش‌آموزان و زمان محدود) اشاره کرده و معتقد بودند اثر این طرح بر پیشرفت تحصیلی «بسیار اندک» است (جبروتی و همکاران، ۱۴۰۲). این تفاوت دیدگاه‌ها حاکی از آن است که در عمل، چالش‌های اجرایی میتواند بر تأثیرگذاری ارزشیابی توصیفی تأثیر بگذارد، و نیاز به پژوهش‌های بیشتری درباره ملاحظات بومی و راهکارهای عملی دارد. به طور خلاصه، شواهد اکثریت نشان میدهد که ارزشیابی توصیفی با فراهم کردن بازخوردهای مستمر و مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری، عملکرد تحصیلی آنها را ارتقا میدهد. با این حال، برخی مطالعات محدود نتوانسته‌اند این تأثیر را به روشنی مشاهده کنند و این نکته، ضرورت تحقیقات تکمیلی برای بررسی شرایط و کیفیت اجرا را روشن می‌سازد.

تأثیر ارزشیابی توصیفی بر اعتماد به نفس

پژوهش‌ها حاکی از آن است که ارزشیابی توصیفی می‌تواند اعتماد به نفس دانش‌آموزان را افزایش دهد. نتایج یک مطالعه مقایسه‌ای در ایران نشان داد دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم ابتدایی که در مدارس با ارزیابی کیفی-توصیفی تحصیل می‌کردند، نسبت به دانش‌آموزان مدارس سنتی، احساس اضطراب کمتری دارند و از اعتماد به نفس بالاتری برخوردارند (کریمی ملک آبادی، ۱۴۰۲). به طور مشابه، پژوهشی همبستگی در زنجان گزارش کرده است که سطح اعتماد به نفس و بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان ابتدایی تحت نظام ارزشیابی توصیفی به طور معنی‌داری بالاتر است (محمدی، ۱۴۰۲). نتایج این مطالعات هم‌سویی قابل توجهی با یافته‌های بین‌المللی دارد؛ برای مثال، برخی تحقیقات بر ارتباط مثبت ارزشیابی توصیفی با عزت نفس و احساس شایستگی دانش‌آموز تأکید کرده‌اند (میلر و لاولین، ۲۰۰۷). این پژوهش‌ها نشان می‌دهند ارائه بازخوردهای کیفی و اجتناب از تأکید صرف بر نمره، احساس توانمندی را در دانش‌آموزان تقویت میکند. به علاوه، کاهش استرس‌ها و اضطراب امتحان ناشی از روش‌های سنتی آزمون محور، فضای روانی مثبت‌تری برای دانش‌آموز فراهم می‌آورد که خود به افزایش اعتماد به نفس می‌انجامد.

تحقیقات نشان می‌دهد که هنگامی که دانش‌آموزان در فرایند بازخورد شرکت داده میشوند (مثلاً خودارزیابی و تنظیم اهداف)، میزان خودکارآمدی آموزشی‌شان افزایش می‌یابد؛ این امر از طریق تجربه‌های موفق کوچک و بازخورد مثبت جزئی تحقق می‌یابد. در واقع افزایش خودتنظیمی و انگیزش ذاتی برای یادگیری را به عنوان

¹ Miller & Lavin

نتایج مستقیم این تحقیق گزارش کرده اند (توریسبایوا و همکاران؛ ۲۰۲۳). بازخورد توصیفی معمولاً باعث کاهش اضطراب امتحان و تقویت احساس شایستگی و خودکارآمدی میشود؛ مکانیسم اصلی این است که بازخورد توصیفی به جای تحقیر یا رتبه بندی، فرصت های واضح بهبود را نشان می دهد و دانش آموزان را در فرایند یادگیری شریک میسازد. در واقع افزایش عزت نفس و خودکارآمدی را به عنوان یکی از پیامدهای مثبت ارزیابی توصیفی فهرست میکنند (سورتول و همکاران؛ ۲۰۲۴). شواهد متعددی نشان داده اند که برداشت از «قضاوت صرفاً عددی» عامل افزایش اضطراب است؛ در مقابل، وقتی ارزشیابی از حالت قضاوت صرف خارج و به حالت بازخورد آموزنده درآید، سطح اضطراب کاهش می یابد و دانش آموزان احساس امنیت بیشتری برای تلاش و شرکت فعال پیدا میکنند (نبوی زاده و همکاران، ۲۰۲۲). در عین حال، لازم است به تفاوت های فردی و اجتماعی توجه شود. برخی مطالعات نشان داده اند اثرات ارزشیابی توصیفی بر اعتماد به نفس ممکن است در گروه های توانایی های مختلف، جنسیت ها یا سطوح اولیه ی اعتماد به نفس متفاوت باشد (میلر و لاولین؛ ۲۰۰۷). به بیان دیگر، دانش آموزانی که پیش از آن اعتماد به نفس پایینی داشته اند، ممکن است نسبت به ارزشیابی توصیفی واکنش متفاوتی نشان دهند. همچنین، هرچند داده های موجود به طور کلی نشان از بهبود ابعاد روانی دانش آموز دارد، اما بیشتر تحقیقات ایرانی در این حوزه رویکرد مقطعی یا پرسش نامه ای داشته اند و برای درک دقیق تر مکانیزم های ایجاد اعتماد به نفس و میزان پایداری آن نیاز به مطالعات طولی و مداخله ای بیشتری احساس می شود.

به طور کلی، یافته های موجود حاکی است ارزشیابی توصیفی با فراهم کردن بازخورد سازنده و کاهش فضای رقابت منفی، اعتماد به نفس دانش آموزان ابتدایی را تقویت میکند. با این حال، لازم است علاوه بر تأکید بر نتایج مثبت، به شکاف های پژوهشی در زمینه شناسایی عوامل مؤثر میانجی مانند ویژگی های شخصیتی دانش آموز یا تعامل معلم-دانش آموز توجه شود تا فهم بهتری از چگونگی شکل گیری اعتماد به نفس در اثر این شیوه ارزشیابی حاصل گردد.

بحث و نتیجه گیری

ارزشیابی توصیفی با تأکید بر بازخورد کیفی و مستمر، پیامدهای مثبتی را در فرایند یادگیری و جنبه های روانی دانش آموزان ابتدایی نشان داده است. پژوهش ها حاکی است که این روش ارزشیابی به بهبود درک و یادگیری مفهومی دانش آموزان منجر می شود؛ به طوری که در مقایسه با روش های سنتی، عمق یادگیری دانش آموزان به طرز معناداری افزایش می یابد. در واقع ارزشیابی توصیفی نسبت به روش های متعارف نقش موثری در تعمیق یادگیری دانش آموزان ایفا میکند. همچنین شواهد متعددی حاکی از آن است که تمرکز بر

¹ Turysbayeva et al

² Sortwell et al

³ Miller & Lavin

تشخیص قوت‌ها و ضعف‌های یادگیری به جای صرفاً نمره دهی عددی، خلاقیت و انگیزش یادگیری دانش‌آموزان را نیز تقویت میکند؛ برای مثال، شفیعی و ناصری (۱۳۹۹) در پژوهش خود گزارش کرده‌اند که مداخلات ارزشیابی توصیفی معلمان تأثیر مثبتی بر خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی داشته است. افزون بر این، مطالعه فرهودی و همکاران (۲۰۲۵) نشان داد که ارزشیابی توصیفی میتواند از طریق افزایش انگیزه و خودارزیابی، به طور غیرمستقیم عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقا دهد. برآیند این یافته‌ها بیانگر آن است که ارزشیابی توصیفی با فراهم کردن بستر بازخورد توصیفی و مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند ارزیابی، توانایی و عملکرد تحصیلی آنها را بهبود میبخشد. هم‌زمان با بهبود عملکرد تحصیلی، ارزشیابی توصیفی تأثیر چشمگیری بر جنبه‌های روانی دانش‌آموزان دارد. نتایج پژوهش‌ها حکایت از کاهش استرس و اضطراب ناشی از امتحانات دارد و در پی آن اعتماد به نفس و خودکارآمدی دانش‌آموزان را افزایش میدهد. برای نمونه، کریمی ملک آبادی (۱۴۰۲) با مقایسه گروهی از دانش‌آموزان مدارس دارای ارزشیابی توصیفی با گروه کنترل سنتی نشان داد که دانش‌آموزان تحت ارزشیابی توصیفی، اضطراب کمتری تجربه کرده و از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار بوده‌اند. در همین راستا، مطالعات دیگر نیز گزارش کرده‌اند که رویکرد توصیفی، با حذف رقابت‌های نمره‌ای مخرب، به بهداشت روانی دانش‌آموزان کمک کرده و فضای یادگیری را ایمن‌تر میسازد؛ به طوری که دانش‌آموزان میتوانند بدون احساس ترس از قضاوت، بر رشد فردی خویش تمرکز کنند. نتایج پژوهش فرهودی و همکاران (۲۰۲۵) نیز حاکی از این است که ارزشیابی توصیفی بهبود بهزیستی روانی و در نتیجه ارتقای انگیزش تحصیلی را به همراه دارد. مجموعاً می‌توان گفت که رویکرد توصیفی، با تأکید بر رفع ضعف‌ها و شناسایی نقاط قوت هر دانش‌آموز، نقشی مهم در افزایش اعتماد به نفس و گرایش مثبت آنان به یادگیری ایفا میکند.

این دستاوردهای پژوهشی، پیامدهای کاربردی قابل توجهی برای نظام آموزشی و معلمان دارد. نخست آنکه ارزشیابی توصیفی باید به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند یاددهی-یادگیری تلقی شود؛ به عبارتی، آموزش و ارزیابی در بستر یکپارچه‌ای پیش رفته و معلمان را در ارائه بازخورد راهنما و اصلاحی توانمند میسازد. بر پایه یافته‌ها، معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی باید معیاری فراتر از نمره را ملاک قرار دهند و با ارائه گزارش‌های توصیفی درباره روند پیشرفت هر دانش‌آموز، به هدایت یادگیری کمک کنند. به عنوان مثال، نتایج پژوهش کریمی ملک آبادی (۱۴۰۲) نشان میدهد که زمانی که معلم بازخورد مستمر کیفی به پرونده آموزشی دانش‌آموز میدهد و از مقایسه‌های رقابتی خودداری میکند، فرصت میدهد که دانش‌آموزان بدون اضطراب از یادگیری لذت ببرند. نتایج پژوهش ون دن هوفیل پانهویزن و همکاران (۲۰۲۱) نشان میدهد معلمان میتوانند با استفاده از شیوه‌هایی مانند ارزیابی همسالان و خودارزیابی دانش‌آموزان و پرورش فضای اعتماد و مشارکت، به ایجاد انگیزه و خودیابنگری بیشتر در کلاس کمک نمایند.

¹ Van den Heuvel-Panhuizen et al

از دید سیاست‌گذاران آموزشی نیز این نتایج دارای پیامدهای راهبردی است. با توجه به اینکه ارزشیابی توصیفی اثر مطلوبی بر کیفیت یادگیری و سلامت روان دانش‌آموزان دارد، نهادهای تصمیم‌گیر باید زیرساخت‌های لازم را برای اجرای گسترده‌تر آن فراهم آورند. این اقدامات شامل آموزش و توانمندسازی معلمان در مبانی و فنون بازخورد توصیفی، تهیه منابع و ابزارهای مناسب ارزیابی و فراهم‌سازی دستورالعمل‌های همسو با برنامه درسی است. نکته مهم دیگر، آگاهی بخشی به والدین و جامعه درباره اهمیت ارزشیابی کیفی-توصیفی است تا مقاومت فرهنگی و انتظارات صرفاً عددی کاهش یابد. مطابق نتایج مطالعه فرهودی و همکاران (۲۰۲۵)، پیشنهاد میشود در سطوح تصمیم‌گیری کلان، ارزشیابی توصیفی به صورت رسمی در سیستم ارزشیابی رسمی گنجانده شود تا از افزایش انگیزش و سلامت روان دانش‌آموزان پشتیبانی گردد. افزون بر این، سیاست‌گذاران آموزشی میتوانند با به کارگیری ابزارهای ارزیابی توصیفی در ساختار برنامه درسی و نظارت بر اجرای آن، از هم راستایی اهداف آموزشی و ارزشیابی اطمینان حاصل کنند.

با این حال، اجرای ارزشیابی توصیفی چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. نتایج پژوهش اشتاب و دریه (۱۴۰۳) نشان میدهد که بسیاری از معلمان، فقر منابع آموزشی و فضای فیزیکی مناسب را از موانع اصلی ذکر کرده‌اند. به ویژه کمبود زمان و ساعت کلاسی برای تهیه گزارش‌های فردی توصیفی، بار کاری معلمان را افزایش میدهد. همچنین نیاز به آموزش صحیح معلمان در استفاده از این رویکرد مهم است؛ چراکه پژوهش‌ها نشان میدهد فقدان آموزش و تجربه کافی در معلمان مانع کامل شدن اجرای طرح توصیفی میشود. علاوه بر این، عدم مشارکت مؤثر والدین و کمبود تعاملی که والدین و مدرسه درباره شیوه‌های ارزشیابی دارند نیز میتواند اجرای کیفی این نظام را تضعیف کند. در حوزه برنامه درسی نیز مشکلاتی گزارش شده است؛ برای مثال معلمان اشاره کرده‌اند که محتوای فعلی کتاب‌های درسی و زمان بندی موجود با الزامات ارزشیابی توصیفی همخوانی ندارد و در نتیجه اجرای هدفمند آن دشوار است. از سوی دیگر، نتایج پژوهش قربانی و همکاران (۱۴۰۰) نشان میدهد که اگر شیوه بازخورد کیفی به گونه‌ای افراطی اجرا شود، احتمال ایجاد اعتماد به نفس کاذب در برخی دانش‌آموزان وجود دارد؛ بنابراین طراحی دقیق معیارها و آموزش معلمان برای ارائه بازخورد متوازن اهمیت دارد. بدین ترتیب، شناسایی نقاط ضعف طرح و رفع آنها، مانند مسئله خودارجاعی معلم، بار اطلاعاتی و چگونگی استانداردسازی توصیف‌ها ضروری است.

در پایان میتوان پیشنهادهای زیر را برای پژوهشگران و تصمیم‌گیرندگان آینده ارائه نمود. پژوهش‌های بعدی میتوانند به بررسی تأثیر طولانی مدت ارزشیابی توصیفی بر مسیر تحصیلی دانش‌آموزان و میزان تداوم دستاوردهایش بپردازند. همچنین بررسی تجربیات معلمان و دانش‌آموزان در مناطق مختلف شهری-روستایی و تنوع‌سازی نمونه‌ها میتواند اطمینان بخشی نتایج را افزایش دهد. از سوی دیگر، ورود فناوری‌های آموزشی و سامانه‌های مدیریت یادگیری برای سهولت گردآوری و بازخورد کیفی، و ارزیابی تأثیر آنها، زمینه تحقیق جذابی خواهد بود. در سطح سیاست‌گذاری نیز انجام مطالعات کاستیابی برای تعیین بهترین شیوه‌های کاربست در کلاس‌های بزرگ یا کمبود منابع توصیه میشود.

حاصل کار این است که ارزشیابی توصیفی با رویکردی اصلاح گرایانه و فرصت محور، چشم اندازی امیدوارکننده برای ارتقای یادگیری و اعتماد به نفس دانش آموزان ابتدایی فراهم می آورد؛ اما برای تحقق کامل این چشم انداز، نیازمند توجه به زیرساخت های آموزشی، آموزش معلمان و رفع موانع اجرایی است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله هیچ کمک مالی از سازمان های تامین مالی دریافت نکرده و تمامی مراحل پژوهش با هزینه شخصی صورت گرفته است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

منابع فارسی:

- آشتاب، سنیه و دریه، زهرا. (۱۴۰۳). بررسی شاخص ها، ویژگی ها و چالش های نظام ارزشیابی توصیفی. *اولین همایش ملی نگرش های نوین در مسائل آموزش و پرورش*، رامشیر.
- جبروتی، فاطمه و گلشنی، نازنین و هوشنگ نژاد، محمود. (۱۴۰۲). تأثیر ارزشیابی توصیفی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. *اولین همایش ملی ایده های تحول آفرین در تعالی نظام آموزش و پرورش*، دزفول.
- ژیان فر، مژگان. (۱۴۰۳). بررسی اهداف و تأثیر ارزشیابی توصیفی در عملکرد تحصیلی دانش آموزان. *اولین کنفرانس بین المللی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت*، بندرعباس.
- شفیعی، صابر و ناصری، مسعود. (۱۳۹۹). تأثیر ارزشیابی توصیفی بر خلاقیت دانش آموزان ابتدایی. *مجله پژوهش های معاصر در علوم و تحقیقات*، پیاپی ۱۵، صفحات ۱۱ تا ۲۱.
- صدر، آمنه و بابایی، مهدی. (۱۴۰۲). مروری بر ارزشیابی توصیفی (کیفی) در دوره ابتدایی آموزش و پرورش ایران (اهمیت، نقاط قوت و ضعف). *هشتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران*، تهران.
- فرهمندفر، شبنم. (۱۴۰۳). بررسی ارزشیابی توصیفی در دبستان. *اولین کنفرانس بین المللی انقلاب علوم انسانی/اسلامی، ساری*.
- قربانی، علی و سمنانی نژاد، نعمت و ابو، حلیمه. (۱۴۰۰). کارکردهای ارزشیابی توصیفی در فرایند تدریس. *نشریه آفاق علوم انسانی*، دوره ۵، شماره ۵۷.
- کریمی ملک آبادی، مهدی. (۱۴۰۲). تأثیر ارزشیابی توصیفی در کاهش اضطراب و افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان ابتدایی. *پانزدهمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره*.

محمدی، نازنین زهرا. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر ارزشیابی توصیفی بر اعتماد به نفس و بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی زنجان. دهمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت، بندرعباس. محمودیان آذر، تورج و ایلاتی، مهران و مقدم، علی و حبیبی، صالح. (۱۴۰۲). بررسی نقش و اهمیت ارزشیابی در یادگیری دانش‌آموزان. پانزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.

منابع انگلیسی:

- Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. *W.H. Freeman*.
- Bengtsson, M. (2016). How to plan and perform a qualitative study using content analysis. *NursingPlus Open*, 2, 8–14.
- Black, P., & Wiliam, D. (1998). Inside the Black Box: Raising Standards through Classroom Assessment. *Phi Delta Kappan*, 80(2), 139–148.
- Clarke, S. (2015). Formative assessment: The right question at the right time. *Education Week*.
- Cronin, P., Ryan, F., & Coughlan, M. (2008). Undertaking a literature review: a step-by-step approach. *British Journal of Nursing*, 17(1), 38–43.
- Dorta-Guerra, R., Marrero, I., Abdul-Jalbar, B., Trujillo-González, R., & Torres, N. (2019). A new academic performance indicator for the first term of first-year science degrees students at La Laguna University: A predictive model. *FEBS Open Bio*, 9(9), 1493–1502.
- Farhudi, J., Mehdinezhad, V., & Abedini, M. (2025). The effects of descriptive assessment on student learning and its relationship with mental health using structural equation modeling. *Social Determinants of Health*, 11(1), 17.
- Meusen-Beekman, K. D., Joosten-ten Brinke, D., & Boshuizen, H. P. A. (2016). Effects of formative assessments to develop self-regulation among sixth grade students: Results from a randomized controlled intervention. *Studies in Educational Evaluation*, 51, 126–136.
- Miller, D., & Lavin, F. (2007). 'But now I feel I want to give it a try': Formative assessment, self-esteem and a sense of competence. *The Curriculum Journal*, 18(1), 3–25.
- Nabavizadeh, S. Z., Mashinchi, A. A., Hashemi, S. A., & Mohammadzani, S. (2022). Presenting a model of effective factors on successful implementation of descriptive evaluation in the primary education system of Iran. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 4(4), 178–190.
- Sortwell, A., Trimble, K., Ferraz, R., Geelan, D. R., Hine, G., Ramirez-Campillo, R., Carter-Thuiller, B., Gkintoni, E., & Xuan, Q. (2024). A Systematic Review of Meta-Analyses on the Impact of Formative Assessment on K-12 Students' Learning: Toward Sustainable Quality Education. *Sustainability*, 16(17), 7826.
- Turysbayeva, A., Zhumabayeva, A., Yessenova, K., Bainazarova, T., & Maigeldiyeva, S. (2023). The impact of formative assessment techniques on students' self-assessment skills. *Journal of Education and e-Learning Research*, 10(4), 657–665.

- Van den Heuvel-Panhuizen, M., Sangari, A. A., & Veldhuis, M. (2021). Teachers' use of descriptive assessment in primary school mathematics education in Iran. *Education Sciences*, 11(3).
- Wentzel, K. R., & Brophy, J. E. (2014). *Motivating students to learn* (4th ed.). Routledge.
- Wiliam, D. (2011). What is assessment for learning? *Studies in Educational Evaluation*, 37(1), 3-14.
- Wu, J., & Yu, X. (2025). The influence of formative assessment on academic performance: Exploring the role of teachers' emotional support. *Frontiers in Psychology*, 16.
- Xuan, Q., Cheung, A., & Sun, D. (2022). The effectiveness of formative assessment for enhancing reading achievement in K-12 classrooms: A meta-analysis. *Frontiers in Psychology*, 13.
- Yin, Y., Shavelson, R. J., Ayala, C. C., Ruiz-Primo, M. A., Brandon, P. R., Furtak, E. M., ... Young, D. B. (2008). On the impact of formative assessment on student motivation, achievement, and conceptual change. *Applied Measurement in Education*, 21(4), 335-359.



The Role of Descriptive Assessment on Academic Performance and Self-Confidence of Elementary School Students

Seyedeh Kobra Taghavi Sankedeheh^{*1}, Seyedeh Leila Taghavi Sankedeheh²

Abstract

Introduction and goal: Academic evaluation plays a central role in the teaching-learning process. In traditional systems, focusing on testing and grading has caused stress and unhealthy competition. For this reason, a qualitative-descriptive evaluation approach has been used in Iranian primary education, which emphasizes providing constructive feedback. The purpose of this study is to investigate the effect of descriptive evaluation on academic performance and self-confidence of primary school students from a research perspective.

Research methodology: This research is a type of theoretical and review-based fundamental research, and its implementation method is library, analytical, and descriptive studies. The research findings were analyzed based on a qualitative approach.

Findings: The findings of this study show that implementing descriptive assessment is associated with improving students' learning and academic performance. This method is also effective in increasing students' intrinsic motivation and active participation. In addition, students who receive descriptive feedback experience less anxiety and gain higher self-confidence. Research shows that constructive feedback strengthens a student's sense of worth and ability and gradually increases his academic and social self-confidence. Also, improving teacher-student interaction, conceptual learning, self-assessment skills, and critical thinking are other positive outcomes of descriptive assessment.

Conclusion: The findings indicate that descriptive assessment, as an alternative and humanistic method, moves the educational environment from a competitive atmosphere to cooperation and self-assessment and can help improve the academic performance and self-confidence of elementary school children. However, its successful implementation requires training teachers in feedback techniques and providing the necessary facilities. As a result, it is suggested that the educational system, by prioritizing teacher empowerment and improving infrastructure, should use descriptive assessment more

¹ *Bachelor of Educational Sciences at Farhangian University, elementary teacher of Nowshahr city and Master of Educational Management at Azad Mahmoodabad University. kobra.taghavi1996@gmail.com

² Bachelor degree in mathematics education from Farhangian University, elementary teacher in Noor city and master's degree in pure mathematics from Noshirvani University of Technology, Babol

widely in elementary schools.

Keywords: Descriptive evaluation, academic performance, self-confidence, elementary students.

